

## سخنان تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس - 2 / خرداد / 1399

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و صحبه المنتجبین و من تبعهم باحسان الی یوم الدین.

به همه‌ی برادران و خواهران مسلمان در سراسر جهان درود میفرستم و قبولی طاعات آنان در ماه مبارک رمضان را از خداوند مسئلت میکنم و پیشاپیش فرا رسیدن عید سعید فطر را به آنان تبریک میگویم و پروردگار کریم را بر نعمت حضور در این ماه ضیافت الهی، سپاس میگویم.

امروز روز قدس است؛ روزی که با ابتکار هوشمندانه‌ی امام خمینی (رضوان الله علیه) همچون حلقه‌ی وصلی برای هم‌صدایی مسلمانان درباره‌ی قدس شریف و فلسطین مظلوم تعیین شد؛ و در این چند دهه، در این باره نقش‌آفرینی کرد و از این پس نیز خواهد کرد؛ ان شاء الله. ملتها از روز قدس استقبال کردند و آن را همچون نخستین کار واجب، یعنی برافراشته نگه‌داشتن پرچم آزادی فلسطین گرامی داشتند. سیاست عمده‌ی استکبار و صهیونیسم، کمرنگ کردن مسئله‌ی فلسطین در ذهنیت جوامع مسلمان و به سمت فراموشی راندن آن است. و فوری‌ترین وظیفه، مبارزه با این خیانتی است که به دست مزدوران سیاسی و فرهنگی دشمن در خود کشورهای اسلامی صورت میگیرد. و حقیقت آن است که مسئله‌ای به عظمت مسئله‌ی فلسطین چیزی نیست که غیرت و اعتماد به نفس و هوشمندی روزافزون ملت‌های مسلمان، اجازه‌ی فراموش شدن آن را بدهد؛ هر چند آمریکا و دیگر سلطه‌گران و پادوهای منطقه‌ای آنان همه‌ی پول و توان خود را برای آن به کار گیرند.

اولین سخن، یادآوری بزرگی فاجعه‌ی غصب کشور فلسطین و تشکیل غده‌ی سرطانی صهیونیستی در آن است. در میان جنایات بشری دوران‌های نزدیک به زمان حاضر، هیچ جنایتی در این حجم و با این شدت وجود ندارد. غصب یک کشور و بیرون کردن مردم برای همیشه از خانه و کاشانه و سرزمین اجدادی خود، آن هم با فجیع‌ترین انواع قتل و جنایت و هلاک حرث و نسل و ده‌ها سال تداوم این ستم تاریخی، حقیقتاً یک رکورد جدید از سبعت و شیطان‌صفتی بشر است.

عامل و مجرم اصلی این فاجعه، دولت‌های غربی و سیاست‌های شیطانی آنها بود. آن روزی که دولت‌های فاتح جنگ اول جهانی، منطقه‌ی غرب آسیا، یعنی قلمرو آسیایی حکومت عثمانی را به عنوان مهم‌ترین غنیمت جنگی، میان خود در کنفرانس پاریس تقسیم میکردند، نیاز به یک پایگاه امن در قلب این منطقه را برای تضمین سلطه‌ی دائمی خود بیش از پیش احساس کردند. انگلیس از سال‌ها پیش از آن، با طرح بالفور زمینه را آماده کرده و با همفکری زرسالاران یهودی بدعتی به نام صهیونیسم را مهیای نقش‌آفرینی کرده بود؛ و اکنون زمینه‌های عملی آن فراهم میشد. از همان سال‌ها مقدمات را بتدریج در کنار هم چیدند و سرانجام پس از دوامین جنگ جهانی با استفاده از غفلت و گرفتاری دولت‌های منطقه، ضربه‌ی خود را وارد آوردند و رژیم جعلی و دولت بدون ملت صهیونیست را اعلام کردند. آماج این ضربه در درجه‌ی اول ملت فلسطین و در درجه‌ی بعد همه‌ی ملت‌های این منطقه بودند.

نگاه به حوادث بعدی منطقه نشان میدهد که هدف اصلی و نزدیک غربی‌ها و کمپانی‌داران یهودی از ایجاد دولت صهیونیست، بنای یک پایگاه حضور و نفوذ دائمی برای خود در غرب آسیا و امکان دسترسی نزدیک برای دخالت و تحمیل و تسلط بر کشورها و دولت‌های این منطقه بود. از این رو رژیم جعلی و غاصب را به انواع امکانات قدرت‌آفرین

-چه نظامی و چه غیر نظامی- حتی تسلیحات اتمی مجهز کردند و رشد این غده‌ی سرطانی را در پهنه‌ی نیل تا فرات در برنامه‌های خود گنجانند.

متأسفانه اغلب دولتهای عرب پس از مقاومت‌های نخستین که برخی از آنها تحسین برانگیز بود، بتدریج تسلیم شدند و بخصوص پس از ورود ایالات متحده‌ی آمریکا به عنوان متولّی مسئله، هم وظیفه‌ی انسانی و اسلامی و سیاسی، و هم غیرت و نخوت عربی خود را به فراموشی سپرده و با امیدهای واهی به هدفهای دشمن کمک کردند. «کمپ دیوید» مثال روشنی از این حقیقت تلخ است.

گروه‌های مبارز نیز پس از برخی مجاهدتهای فداکارانه در سالهای نخست، بتدریج به راه بی‌فرجام مذاکره با اشغالگر و حامیانش کشانده شدند و خطّ سیری را که میتوانست به تحقق آرمان فلسطین منتهی شود، رها کردند. مذاکره با آمریکا و دیگر دولتهای غربی و نیز با مجامع بی‌خاصیت بین‌المللی، تجربه‌ی تلخ و ناموفق فلسطین است. نشان دادن شاخه‌ی زیتون در مجمع عمومی سازمان ملل، نتیجه‌ای جز قرارداد خسارت‌بار «اسلو» نداشت و سرانجام هم به سرنوشت عبرت‌انگیز یاسر عرفات منتهی شد.

طلوع انقلاب اسلامی در ایران، فصل جدیدی در مبارزه‌ی برای فلسطین گشود. از اوّلین قدمها یعنی بیرون راندن عناصر صهیونیست که ایران دوران طاغوت را یکی از پایگاه‌های امن خود می‌شمردند و سپردن محلّ سفارت غیر رسمی رژیم صهیونیست به نمایندگی فلسطین و قطع جریان نفت، تا کارهای بزرگ و فعالیت‌های گسترده‌ی سیاسی، همه موجب پدید آمدن «جبهه‌ی مقاومت» در کلّ منطقه شد و امید به حلّ مسئله در دلها شکفت. با ظهور جبهه‌ی مقاومت، کار بر رژیم صهیونیستی سخت و سخت‌تر شد - و البته در آینده بسی سخت‌تر هم خواهد شد ان‌شاءالله- ولی تلاش حامیان آن رژیم و در رأس آنان آمریکا در دفاع از آن هم بشدتّ افزایش یافت. پیدایش نیروی مؤمن و جوان و فداکار حزب‌الله در لبنان و تشکیل گروه‌های پُرانگیزه‌ی حماس و جهاد اسلامی در درون مرزهای فلسطین نه تنها سردمداران صهیونیست بلکه آمریکا و دیگر ستیزه‌گران غربی را هم مضطرب و سراسیمه کرد و یارگیری از درون منطقه و از درون جامعه‌ی عربی را در صدر برنامه‌های آنان پس از پشتیبانی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از رژیم غاصب قرار داد. نتیجه‌ی کار پُر حجم آنان، امروز در رفتار و گفتار بعضی سردمداران دولتهای عربی و برخی فعّالان خائن سیاسی و فرهنگی عرب، آشکار و جلوی چشم همه است.

امروز از هر دو سو، فعّالیتهای متنوعی در صحنه‌ی مبارزه ظهور میکنند، با این تفاوت که جبهه‌ی مقاومت رو به اقتدار و امید فزاینده و جذب روزافزون عناصر قدرت پیش میرود و بعکس، جبهه‌ی ظلم و کفر و استکبار روز به روز تهی‌تر و مایوس‌تر و کم‌توان‌تر میشود. نشانه‌ی روشن این مدعا آن است که ارتش صهیونیست که یک روز ارتشی شکست‌ناپذیر و برق‌آسا شمرده میشد و ارتشهای بزرگ دو کشور مهاجم را در ظرف چند روز متوقف میکرد، امروز در برابر نیروهای مبارز مردمی در لبنان و غرّه مجبور به عقب‌نشینی و اعتراف به شکست میشود. با این حال عرصه‌ی مبارزه بشدتّ خطیر و تغییرپذیر و نیازمند مراقبت دائمی است و موضوع این مبارزه، بسی مهم و سرنوشت‌ساز و حیاتی است. هر گونه غفلت و سهل‌اندیشی و خطا در محاسبات اساسی، زیانهای سنگین وارد خواهد کرد.

بر این اساس به همه‌ی کسانی که دل در گرو مسئله‌ی فلسطین دارند چند توصیه میکنم:

۱) مبارزه برای آزادی فلسطین، جهاد فی سبیل الله و فریضه و مطلوب اسلامی است. پیروزی در چنین مبارزه‌ای تضمین شده است، زیرا فرد مبارز حتی در صورت کشته شدن هم به احدی الحسنيين دست یافته است. بجز این، مسئله‌ی فلسطین یک مسئله‌ی انسانی است، بیرون کردن میلیون‌ها انسان از خانه و مزرعه و محلّ زندگی و کسب

خود، آن هم با قتل و جنایت، هر وجدان انسانی را آزرده و متأثر میکند و در صورت داشتن همت و شجاعت به مقابله وادار میسازد. پس محدود کردن آن به یک مسئله‌ی صرفاً فلسطینی و حداکثر عربی، خطایی فاحش است. آنها که سازش چند عنصر فلسطینی یا حکام چند کشور عربی را مجوز عبور از این مسئله‌ی اسلامی و انسانی می‌شمرند، بشدت دچار خطا در فهم مسئله و احیاناً دچار خیانت در تحریف آنند.

۲) هدف این مبارزه، آزادی همه‌ی سرزمین فلسطین -از بحر تا نهر- و بازگشت همه‌ی فلسطینیان به کشور خویش است. فروکاستن آن به تشکیل دولتی در گوشه‌ای از این سرزمین، آن هم به شیوه‌ی تحقیرآمیزی که در ادبیات صهیونیست‌های بی‌ادب از آن یاد میشود، نه نشانه‌ی حق‌جویی است و نه نشانه‌ی واقع‌بینی است. واقع آن است که امروز میلیون‌ها فلسطینی به مرتبه‌ای از اندیشه و تجربه و اعتماد به نفس رسیده‌اند که بتوانند این جهاد بزرگ را وجهه‌ی همت سازند و البته به نصرت الهی و پیروزی نهایی مطمئن باشند، که فرمود: **وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ، إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ**؛ (۱) بی‌شک بسیاری از مسلمانان در سراسر جهان آنها را یاری و با آنان همدردی خواهند کرد ان‌شاءالله.

۳) هر چند بهره گرفتن از هر امکان حلال و مشروع در این مبارزه مجاز است و از جمله حمایت‌های جهانی، ولی مؤکداً باید از اعتماد به دولت‌های غربی و نیز مجامع جهانی ظاهراً یا باطناً وابسته‌ی به آنها پرهیز کرد. آنها با هر موجودیت اثرگذار اسلامی دشمنند؛ آنها به حقوق انسانها و ملتها بی‌اعتنایند؛ آنها خود عامل بیشترین خسارتها و جنایتها به امت اسلامی‌اند؛ هم اکنون کدام نهاد جهانی یا کدام قدرت جنایت‌کار پاسخگوی ترورها، قتل‌عام‌ها، جنگ‌افروزی‌ها، بمبارانها، و قحطی‌های مصنوعی در چندین کشور اسلامی و عربی است؟

امروز دنیا یک به یک تعداد قربانیان کرونا را در سراسر جهان می‌شمارد، اما هیچ کس نرسیده و نمی‌رسد قاتل و مسئول صدها هزار شهید و اسیر و مفقود در کشورهایی که آمریکا و اروپا در آن آتش جنگ را روشن کرده‌اند کیست؟ مسئول این همه خون بناحق ریخته در افغانستان، یمن، لیبی، عراق، سوریه و دیگر کشورها کیست؟ مسئول این همه جنایت و غصب و تخریب و ظلم در فلسطین کیست؟ چرا هیچ کس این میلیون‌ها کودک و زن و مرد مظلوم در جهان اسلام را شمارش نکرد؟ چرا کسی قتل‌عام شدن مسلمانان را تسلیت نمی‌گوید؟ چرا میلیون‌ها فلسطینی باید هفتاد سال از خانه و کاشانه‌ی خود دور بوده و در تبعید به سر برند؟ و چرا قدس شریف -قبله‌ی اوّل مسلمانان- باید مورد اهانت قرار گیرد؟ سازمان به اصطلاح ملل به وظیفه‌ی خود عمل نمی‌کند و نهادهای به اصطلاح حقوق بشری مُرده‌اند. شعار «دفاع از حقوق کودک و زن» شامل کودکان و زنان مظلوم یمن و فلسطین نمی‌شود. این چنین است وضع قدرتهای ظالم غربی و مجامع وابسته‌ی جهانی؛ وضع برخی دولت‌های دنباله‌رو آنان در منطقه هم در بی‌آبرویی و رسوایی بدتر از آن است که به بیان آید. پس جامعه‌ی مُسلم غیور و دیندار باید به خود و نیروی درونی‌اش تکیه کند؛ دست قدرتمند خود را از آستین بیرون آورد و با توکل و اعتماد به خداوند از موانع عبور کند.

۴) نکته‌ی مهمی که نباید از نظر نخبگان سیاسی و نظامی جهان اسلام دور بماند، سیاست آمریکا و صهیونیست‌ها در انتقال درگیری‌ها به پشت جبهه‌ی مقاومت است. راه‌اندازی جنگ‌های داخلی در سوریه، و محاصره‌ی نظامی و کشتار شبانه‌روزی در یمن، و ترور و تخریب، و تولید داعش در عراق، و قضایای مشابه در برخی دیگر از کشورهای منطقه، همگی ترفندهایی برای سرگرم کردن جبهه‌ی مقاومت و فرصت دادن به رژیم صهیونیست است. برخی سیاستمداران کشورهای مسلمان نادانسته و برخی دانسته در خدمت این ترفندهای دشمن قرار گرفته‌اند. راه جلوگیری از اجرای این سیاست خباثت‌آمیز، عمدتاً خواست و مطالبه‌ی جدی جوانان غیرتمند در سراسر جهان اسلام است. جوانان در همه‌ی کشورهای اسلامی بویژه کشورهای عربی، نباید توصیه‌ی امام خمینی عظیم را از نظر دور بدارند که فرمود: هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا -و نیز البته دشمن صهیونیست- بکشید.

۵) سیاست عادی سازی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه یکی از عمده ترین سیاست های ایالات متحده ی آمریکا است. برخی دولتهای عربی منطقه که نقش پادوی آمریکا را ایفا میکنند، در این باره به تهنیتی مقدمات لازم آن، از قبیل ارتباطات اقتصادی و امثال آن پرداخته اند؛ این تلاشها یکسره عقیم و بی نتیجه است. رژیم صهیونیستی زائده ای مهلک و زیان بخش برای این منطقه است و بیقین ریشه کن و ازاله خواهد شد، و بی آبرویی و سیه رویی برای کسانی خواهد ماند که امکانات خود را در خدمت این سیاست استکباری نهاده اند. برخی برای توجیه این رفتار زشت، استدلال میکنند که رژیم صهیونیستی واقعیتی در منطقه است، بی آنکه به یاد آورند که با واقعیت های مهلک و زیان بخش باید مبارزه کرد و آن را ازاله کرد. امروز کرونا یک واقعیت است و همه ی انسانهای باشعور، مبارزه با آن را واجب میدانند. ویروس دیرپای صهیونیسم، بی گمان از این پس دیری نمیپاید و به همت و ایمان و غیرت جوانان از این منطقه ریشه کن خواهد شد.

۶) اصلی ترین توصیه ی اینجانب، توصیه به تداوم مبارزه و سامان بخشیدن به سازمانهای جهادی و همکاری آنان با یکدیگر و گسترش عرصه ی جهاد در همه ی سرزمین های فلسطینی است. همه باید ملت فلسطین را در این جهاد مقدس یاری کنند. همه باید دست مبارز فلسطینی را پُر، و پشت او را محکم کنند. ما با افتخار، هر چه در توان داشته باشیم در این راه انجام خواهیم داد. یک روز تشخیص ما این شد که مبارز فلسطینی، دین و غیرت و شجاعت دارد و تنها مشکل او دست تهی از سلاح او است. به هدایت و مدد الهی برنامه ریزی کردیم و نتیجه این است که موازنه ی قدرت در فلسطین دگرگون شد و امروز غره میتواند در برابر تهاجم نظامی دشمن صهیونیست بایستد و بر آن پیروز شود. این تغییر معادله در بخش موسوم به سرزمین های اشغالی خواهد توانست قضیه ی فلسطین را به گامهای نهایی نزدیک کند. تشکیلات خودگردان در این امر، تکلیفی بزرگ برعهده دارد. با دشمن وحشی جز با اقتدار و از موضع قدرت نمیتوان سخن گفت، و زمینه ی این اقتدار بحمدالله در ملت شجاع و مقاوم فلسطین آماده است. جوانان فلسطینی امروز تشنه ی دفاع از کرامت خویشند. حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و حزب الله در لبنان، حجت را بر همه تمام کرده اند. دنیا فراموش نکرده و نخواهد کرد آن روزی را که ارتش صهیونیست، مرزهای لبنان را شکست و تا بیروت پیش آمد و آن روزی را که قاتل جنایت کاری به نام آریل شارون در صبرا و شتیلا حمام خون به راه انداخت، و نیز فراموش نکرده و نخواهد کرد آن روزی را که همین ارتش در زیر ضربات کوبنده ی حزب الله چاره ای جز این نیافت که با دادن تلفات فراوان و با اعتراف به شکست، از مرزهای لبنان عقب نشینی کند و برای آتش بس به التماس بیفتد؛ دست پُر و موضع قدرت یعنی این. حال بگذار فلان دولت اروپایی که باید به خاطر فروش مواد شیمیایی به رژیم صدام تا ابد شرمسار باشد، حزب الله مجاهد سرافراز را غیر قانونی بداند. غیر قانونی، رژیمی مثل آمریکا است که داعش را تولید میکند و رژیمی مثل آن دولت اروپایی است که هزاران نفر در بانه ی ایران و حلبچه ی عراق بر اثر مواد شیمیایی اش به کام مرگ میروند.

۷) سخن آخر آن است که فلسطین متعلق به فلسطینیان است، و باید با اراده ی آنان اداره شود. طرح همه پرسی از همه ی ادیان و اقوام فلسطینی - که از نزدیک به دو دهه ی پیش از این ارائه کرده ایم - تنها نتیجه ای است که باید بر چالش های امروز و فردای فلسطین مترتب شود. این طرح نشان میدهد که ادعای یهودی ستیزی که غربیان با بوقهای خود آن را تکرار میکنند، بکلی بی اساس است. در این طرح، فلسطینیان یهودی و مسیحی و مسلمان، در کنار هم در یک همه پرسی شرکت و نظام سیاسی کشور فلسطین را تعیین میکنند؛ آنچه قطعاً باید برود نظام صهیونیستی است و صهیونیسم، خود بدعتی در آئین یهود و کاملاً بیگانه از آن است.

در پایان، یاد شهیدان قدس، از شیخ احمد یاسین و فتاحی شقاقی و سید عباس موسوی، تا سردار بزرگ اسلام و چهره ی فراموش نشدنی مقاومت، شهید قاسم سلیمانی و مجاهد بزرگ عراقی، شهید ابومهدی المهندس و دیگر

شهدای قدس را گرامی میدارم و به روح امام خمینی عظیم الشان که راه عزت و جهاد را به روی ما گشود، درود میفرستم، و نیز برای برادر مجاهد، مرحوم حسین شیخ الاسلام که سالیانی در این راه تلاش کرد، رحمت الهی را مسئلت میکنم. در پایان به همهی بینندگان عزیز و شنوندگان عزیز عرض میکنم، روز قدس امسال اولین [روز] قدسی است که در آن قاسم سلیمانی عزیز ما حضور ندارد؛ برای شادی روح او، همه یک حمد و یک قل هو الله بخوانید:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ {۱} الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ {۲} الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ {۳} مَا لِكِ یَوْمِ الدِّیْنِ {۴} اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ {۵} اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ {۶} صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغضُوبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِّیْنَ {۷}

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ {۱} اللّٰهُ الصَّمَدُ {۲} لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ {۳} وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ {۴}

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

(۱) سوره ی حج، بخشی از آیه ی